

# چارسوت

# تورم افزایشی مبلغ کالا بزرگ متناسب با تورم

وعده دولتی‌ها دردی ماه سال گذشته این بود که هر سه ماه یکبار، مبلغ کالا بزرگ به اندازه تورم افزایش یابد



**پورمحمدی** (نیمه دی‌ماه): اعتبار کالا بزرگ هر سه ماه یکبار متناسب با تورم تغییر می‌کند.



**میدری** (اواخر بهمن‌ماه): طبق دستور رئیس جمهوری در صورت افزایش تورم، مبلغ کالا بزرگ الکترونیکی هم افزایش خواهد یافت.



**مهاجرانی** (چند روز قبل): افزایش رقم کالا بزرگ در حال بررسی است پس از انجام بررسی‌های کارشناسی، اطلاعات تکمیلی در این خصوص اعلام خواهد شد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، شاخص قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در اسفند ۱۴۰۴ نسبت به آذر ۱۴۰۴ (ماه قبل از شروع طرح کالا بزرگ) ۳۳ درصد افزایش یافته که به معنای گران شدن ۳۳ درصدی مواد غذایی در ۳ ماه نخست اجرای طرح کالا بزرگ است.



اقلام مشمول این طرح، نسبت به دی‌ماه تغییراتی داشته است؛ بنابراین افزایش مبلغ کالا بزرگ متناسب با این گرانی‌ها ضروری است. بر اساس گزارش بانک مرکزی، شاخص قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در اسفند ۱۴۰۴ نسبت به آذر ۱۴۰۴ (ماه قبل از شروع طرح کالا بزرگ) ۳۳ درصد افزایش یافته که به معنای گران شدن ۳۳ درصدی مواد غذایی در ۳ ماه نخست اجرای طرح کالا بزرگ است. آمارهای فروردین هنوز منتشر نشده است.

باتوجه به اعلام سخنگوی دولت چهاردهم در روزهای اخیر مبنی بر بررسی افزایش اعتبار کالا بزرگ در مراجع تصمیم‌گیری دولت، انتظار می‌رود با توجه به افزایش تورم، مبلغ کالا بزرگ از یک میلیون تومان بیشتر شود. هر چند سخنگوی دولت زمانی برای این موضوع مطرح نکرده، اما وعده دولتی‌ها دردی ماه سال گذشته این بود که هر سه ماه یکبار، مبلغ کالا بزرگ به اندازه تورم افزایش یابد. اکنون در حالی وارد ماه پنجم اجرای طرح کالا بزرگ شده ایم که قیمت برخی

## فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا: آماده‌ایم پاسخی قاطعانه به نقض عهد دشمن بدھیم

سرلشکر خلیبان پاسدار علی عبداللہی روز سه‌شنبه اول اردیبهشت در پیامی به مناسبت فرارسیدن دوم اردیبهشت سالروز سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشت: ملت قهرمان ایران، امروز به اقتدار، آمادگی و توانمندی‌های همه‌جانبه راهبردی سپاه و سایر نیروهای مدافعان وطن که با ضربات مهلک و ویرانگر موشکی و پهپادی دشمن صهیونی و آمریکای تروریست را به استیصال و فرسودگی کشانده و مجبور به درخواست عاجزانه آتش بس واداشته، می‌باشد. در ادامه پیام وی آمده است: مردم ایران با حضور پرشور و گسترده در میدان و خیابان‌ها، پشتیبانی از نیروهای مسلح را رها نکرده‌اند. فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا تأکید کرد: نیروهای مسلح شجاع ایران، همراه با دولت و ملت شریف و شگفتی‌ساز ایران، متحد و یکپارچه در تبعیت کامل از تدابیر فرمانده معظم کل قوا مہیای پاسخ‌های قاطعانه، تعیین‌کننده و آتی به تهدیدات و اقدامات دشمن هستند. متن کامل پیام او بدین شرح است:

فرارسیدن دوم اردیبهشت ماه سالروز تصویب اساسنامه سپاه در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ که در تقویم رسمی کشور به "روز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" نام نهاده شده است؛ نقش آفرینی‌های حماسی، سرنوشت‌ساز و ماندگار این نهاد انقلابی و مردمی در پاسداری غیرمحافظة کارانه از دستاوردهای انقلاب و دفاع از استقلال، امنیت و تمامیت سرزمینی ایران عزیز را به آحاد فرماندهان، مدیران و کارکنان به‌ویژه فرماندهی کل سپاه، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. سرگذشت سپاه عزیز در تاریخ ۴۸ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که با خلق صحنه‌ها و دستاوردهای شگوهمند و ممتاز در اجرای مأموریت‌های خطیر محوله، از خنثی‌سازی توطئه گروهک‌های ضد انقلاب و معاند تروریستی برای تجزیه کشور در ماه‌های آغازین



تولد نظام اسلامی تا ۸ سال دفاع مقدس برابر استکبار جهانی و رژیم بعثی صدام و سپس باطل‌سازی رژی‌های شوم دشمنان در فتنه‌آفرینی‌های زنجیره‌ای و هم‌اینک در میدان "دفاع مقدس سوم" و مصاف غرورانگیز برابر تجاوز و جنگ تحمیلی آمریکایی صهیونی و همچنین پاسخ به نیازهای کشور در عرصه‌های مختلف، این نهاد مقدس را موجب مہبات و سرافرازی ایران و ایرانی در پهنه گیتی قرار داده است. ملت قهرمان ایران، امروز به اقتدار، آمادگی و توانمندی‌های همه‌جانبه راهبردی سپاه و سایر نیروهای مدافعان وطن که در اوج شجاعت، صلابت و رشادت با ضربات مهلک و ویرانگر موشکی و پهپادی و... دشمن صهیونیستی و آمریکای تروریست و جنایتکار را به استیصال و فرسودگی کشانده و آنان را به درخواست عاجزانه آتش بس واداشته است بر خود می‌بالند و با حضور پرشور و گسترده در میدان و خیابان‌ها، پشتیبانی از نیروهای مسلح را رها نکرده‌اند. با درود به روح ملکوتی قائد اعظم امت و سیدالشہدای انقلاب اسلامی (قدس سره) و گرامیداشت یاد، نام و خاطره شہدای عالیقدر سپاه مقتدر مردمی به‌ویژه "شہیدان، حسین سلامی و محمد پاکپور" و قدردانی از مجاهدت‌های استرگ پاسداران رشید انقلاب اسلامی تأکید می‌شود: نیروهای مسلح شجاع کشور، همراه با دولت و ملت شریف و شگفتی‌ساز ایران، متحد و یکپارچه در تبعیت کامل از تدابیر و فرامین مقام معظم رهبری و فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مصمم‌تر از گذشته، مہیای پاسخ‌های قاطعانه و تعیین‌کننده آتی به تهدیدات و اقدامات دشمن بوده و با دست بالا و برتر، اجازه سوءاستفاده و روایت‌سازی‌های غلط و دروغ از وضعیت میدان در شرایط سکوت در نبرد نظامی به‌ویژه در مدیریت و کنترل تنگه هرمز را به رئیس‌جمهور کذاب و متوهم آمریکان داده و به شایستگی پاسخ هر نقض عهدی را خواهیم داد.



## اشباع بازار از کالای اساسی؛ تورم داریم اما اجازه گران فروشی نمی دهیم

رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تاکید بر وفور اقلام اساسی در بازار، افزایش قیمت برخی محصولات را ناشی از تورم فصلی ابتدای سال دانست و گفت: نظارت‌های میدانی به صورت مستمر در حال انجام است و با هرگونه تخلف و گران فروشی برخورد قانونی خواهد شد و جرائم اعمال می شود. رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با اشاره به وضعیت مناسب بازار کالاهای اساسی در کشور اظهار کرد: در حال حاضر از نظر تأمین، هیچ گونه کمبودی در بازار وجود ندارد و کالاها به وفور در دسترس مصرف کنندگان قرار دارد. با این حال، در برخی اقلام از جمله روغن، شکر، آب معدنی، نوشیدنی‌ها و کنسروجات، افزایش قیمت‌هایی مشاهده می شود.

این فعال بازار ادامه داد: افزایش قیمت‌ها در ابتدای هر سال موضوع تازه‌ای نیست و به طور معمول با توجه به رشد هزینه‌های تولید، از جمله افزایش دستمزدها، حق بیمه، هزینه‌های حمل‌ونقل و سایر مولفه‌های مرتبط، در قیمت نهایی کالاها افزایش‌هایی داریم؛ به همین دلیل، نوسانات قیمتی در ماه فروردین یک روند تکرارنشده نظیر سال‌های گذشته بوده است.

وی با تاکید بر نظارت بر بازار مصرف کننده، گفت: دستگاه‌های نظارتی از جمله بازرسان اصناف، جهاد کشاورزی، پلیس امنیت اقتصادی و همچنین اتحادیه‌ها به صورت مستمر بازار را رصد می کنند. در صورت مشاهده هرگونه تخلف، مطابق با ضوابط قانونی با متخلفان برخورد شده و جرائم مربوطه اعمال می شود. رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تاکید بر نبود کمبود در اقلام اساسی افزود: خوشبختانه در حال حاضر نه فقط کمبودی در حوزه مواد غذایی وجود ندارد، بلکه زنجیره تأمین و توزیع نیز به صورت منسجم در حال فعالیت است و همین موضوع موجب شده بازار از ثبات نسبی برخوردار باشد. وی بیان کرد: بازرسی‌های میدانی به صورت روزانه انجام می شود و در صورتی که هرگونه تخلف، کمبود یا مسئله‌ای که معیشت مردم را تحت تأثیر قرار دهد مشاهده شود، به سرعت مورد پیگیری قرار گرفته و اقدامات لازم برای رفع آن انجام می گیرد.

به گفته کنگری، در حال حاضر مهم‌ترین چالش موجود در بازار، موضوع تورم است که آن نیز ریشه در عوامل کلان اقتصادی دارد و مسئله‌ای فراتر از سطح توزیع محسوب می شود؛ به جز این موضوع، مشکل خاصی در بازار وجود ندارد و روند تأمین و عرضه کالاها به صورت عادی در جریان است.



## شکست سیاست آمریکایی «قحطی دلار» در گرو گسترش معاملات با ارز یوان

نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس گفت: تک‌زاری بودن دلار به ابزاری برای اعمال فشار بر کشورهای مانند ایران تبدیل شده و توسعه مبادلات با ارزهای ملی، به ویژه در چارچوب همکاری با چین و اعضای بریکس، می تواند به کاهش آسیب‌های اقتصادی و تضعیف سلطه دلار منجر شود.

عباس صوفی، نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی درباره دعوت چند وقت پیش رئیس جمهور چین از کشورهای جهان برای جایگزینی دلار با یوان و اتفاقات اخیر نظیر پترو یوان، اظهار کرد: مشکل تک‌زاری بودن دلار در جهان موجب شده است برخی کشورها از جمله ایران از این موضوع منضر شوند. اگر بتوانیم سیاست چندساله دولت‌ها را در پیش بگیریم و با کشورهای مختلف براساس ارز خودشان معامله کنیم، می توانیم آسیب‌ها را کاهش دهیم، در این میان، یوان و روابط مناسب ما با چین می تواند نقطه موفقی باشد.

وی افزود: سیاست‌های استعماری آمریکا در حوزه دلار نیز مشهود است. یکی دو ماه پیش و در آستانه جنگ رمضان بود که وزیر خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که سیاست «قحطی دلار» در ایران را دنبال کرده‌اند؛ یعنی دلار به ابزاری استعماری تبدیل شده است؛ بنابراین، هر اقدامی که بتواند جلوی این فشارها را بگیرد و امکان معاملات با ارزهای ملی کشورها را فراهم کند، اقدام مثبتی خواهد بود.

به گفته نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی چین به عنوان شریک راهبردی و یک قدرت اقتصادی بزرگ، می تواند نقشی مهمی در این مسیر ایفا کند.

صوفی ادامه داد: هرچند سیاست‌های کلان اقتصادی باید تعیین کننده باشد، اما این اقدام (جایگزینی دلار با یوان) می تواند در جهت تضعیف سلطه دلار و کاهش اثرات منفی آن بر بازار ایران مؤثر باشد. علاوه بر یوان، ارزهای دیگر و همکاری با کشورهای عضو بریکس نیز می تواند به کاهش وابستگی به دلار و بهبود شرایط اقتصادی کشور کمک کند.



# رواج پترو یوان؛ انتقام اقتصادی ایران از ایالات متحده

## گزارش

رواج پترو یوان از سوی ایران و شرط آن برای عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، به نوعی انتقام تهران از دهه‌ها تحریم و استفاده از اهرم اقتصادی است.

پیش از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بسیاری از کارشناسان هشدار می دادند که هرگونه تشدید نظامی در منطقه خلیج فارس، به ویژه اگر دامنه آن علیه ایران گسترش یابد، تنها رویداد امنیتی باقی نمی ماند، بلکه سریعاً به یک متغیر مالی جهانی تبدیل می شود که موازنه قدرت در بازار ارز را باآزایی می کند. اکنون نیز این موضوع مطرح است که ادامه تشدید تنش‌های آمریکا و اسرائیل علیه ایران یا تبدیل آن به یک رویارویی گسترده‌تر، یک شوک مالی جهانی را رقم خواهد زد که فراتر از مرزهای منطقه خواهد رفت و پیامدهای مستقیمی بر قدرت و سلطه دلار، ثبات ارزهای منطقه‌ای و نرخ ریسک در بازارهای نوظهور خواهد داشت.

برای نمونه، یکی از شروط ایران برای عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز، معامله با یوان چن است که به نوعی در راستای دل‌زایی از تجارت جهانی و مقابله با پترو دلار است. برای نمونه، اخیراً چین قرارداد‌های پترو-یوان را با کشورهای حاشیه خلیج فارس اعلام و آن را جایگزین معاملات پترو دلار کرد. همچنین، روتنر گزارش داد که شرکت‌های بالایش نفت هند برای تسویه حساب محموله‌های نفت ایران که تحت معافیت تحریم‌های آمریکا خریداری شده‌اند، از یوان چین و بانک آی‌سی‌آی‌سی‌آی (ICICI Bank) استفاده و وجوه را به صورت یوان چین به حساب فروشندگان واریز کرده است.

### جنگ اقتصادی ایران

به باور کارشناسان، ایران با استفاده از تاکتیک‌های نامتعارف به جنگ تجاوزکارانه ایالات متحده و اسرائیل پاسخ داده است. در حالی که ایالات متحده و اسرائیل به طور سیستماتیک مقامات ایرانی را ترو و مدارس، بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی را بمباران کردند. تهران با ورود به کارزار جنگ اقتصادی نامتقارن، نه فقط به پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در غرب آسیا، بلکه به شرکت‌های بزرگ آمریکایی نیز حمله و حتی سلطه دلار را به چالش کشیده است.

پس از بستن تنگه هرمز، مهم‌ترین گلوگاه ترانزیت نفت در جهان، ایران بازارهای جهانی انرژی را مختل و مستقیماً با سیستم پترو دلار مقابله کرده است. در این راستا، تهران خواستار آن شد که کشتی‌های عبوری از این تنگه، نفت

خود را به جای دلار یا پول چین بفروشند؛ بنابراین، ایران نشان داد که مقاومت در برابر امپراتوری ایالات متحده برای یک کشور جنوب جهان نیز امکان پذیر است.

با توجه به ظرفیت بالا، ایران تشخیص داد که باید در جنگ نامتقارن شرکت کند. استراتژیست‌های نظامی ایران، نقاط ضعف امپراتوری ایالات متحده را شناسایی و هوشمندانه

این نقاط ضعف را هدف قرار دادند. بلافاصله پس از آنکه دولت دونالد ترامپ این جنگ تجاوزکارانه را آغاز کرد، ایران تلافی و تقریباً ۲۴ پایگاه نظامی ایالات متحده در غرب آسیا را هدف قرار داد. تهران همچنین به یک ایستگاه اصلی سیا واقع در داخل سفارت آمریکا در عربستان سعودی و همچنین سیستم‌های راداری حیاتی و چندین هواپیمای سوخت‌رسانی نیروی هوایی ایالات متحده حمله کرد. طبق قوانین بین‌المللی، ایران مجاز به پاسخ به تجاوز آمریکا و اسرائیل است. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، حق دفاع از خود را برای هر کشوری تضمین می کند.

در کنار این موارد، ایران در این جنگ نامتقارن از ابزار اقتصادی نیز استفاده می کند که البته خود برای سال‌ها قربانی آن بوده است. در این راستا، اگرچه ایران تنگه هرمز را مسدود کرد اما استثنای مهمی قائل شده است. تهران اعلام کرد که نفتکش‌های چینی اجازه دارند بدون هیچ مانعی از این گذرگاه ترانزیت نفت عبور کنند. علاوه بر این، یک مقام دولتی ایران به سی‌ان‌ان گفت که نفتکش‌ها در صورتی می توانند از تنگه هرمز عبور کنند که نفت را به پول چین بفروشند.

این تصمیم یک تحول ژئوپلیتیکی بسیار مهم و چالشی مستقیم برای سلطه جهانی دلار آمریکا است. به باور کارشناسان، دلار قدرتمندترین سلاح امپراتوری ایالات متحده است. تبدیل دلار به ارز ذخیره جهانی و قدرت چاپ آن توسط ایالات متحده، امتیاز ویژه‌ای به این کشور می دهد، به طوری که می تواند کسری‌های تجاری با بقیه جهان را جبران و با کاهش ارزش پول و فشارهای تورمی که سایر کشورها از آن رنج می برند، مواجه نشود.

خزانه‌داری مستقیم برای ایالات متحده کمک می کند تا هزینه‌های استقرار را نسبتاً پایین نگه دارد، زیرا دلارهای پرداختی برای واردات، اغلب توسط سرمایه‌گذاران خارجی به اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده و اوراق قرضه شرکتی تبدیل می شود و در نتیجه بازده و نرخ بهره را برای بخش‌های دولتی و خصوصی کاهش می دهد.

در این میان، یکی از ارکان سلطه دلار، سیستم پترو دلار است. از زمانی که ایالات متحده در سال ۱۹۷۴ با عربستان سعودی توافق تاریخی امضا کرد، بخش عمده‌ای از نفت خام جهان به دلار فروخته شده است. سپس تقریباً همه واردکنندگان نفت از این رویه پیروی کردند. این امر باعث

شد تا اکثر بازارهای کالایی دیگر نیز با دلار قیمت گذاری شوند. این امر تقاضای مصنوعی جهانی برای دلار را تضمین و جایگاه آن را تقویت کرد.

همچنین ایالات متحده از این «امتیاز ویژه» استفاده و دلار را از طریق تحریم‌های یک جانبه غیرقانونی به سلاح تبدیل کرد. به طوری که ایالات متحده تحریم‌های یک جانبه‌ای را علیه یک سوم از کل کشورهای جهان، از جمله ۶۰ درصد از کشورهای کم درآمد اعمال کرده است.

این افزایش استفاده از ارز ذخیره جهانی به عنوان سلاح، کشورها را به یافتن جایگزین‌های مالی ترغیب کرده است. برای نمونه تهران در پاسخ به تحریم‌های غیرقانونی واشنگتن، سال‌هاست که برای دلارزدایی تلاش می کند. در این راستا، چین به عنوان خریدار بخش عمده نفت از ایران، بهای نفت ایران را به یوان پرداخت می کند. همچنین ایران در سال ۲۰۲۴ به عضویت بریکس درآمد و از ایجاد یک واحد پول جدید برای تجارت بین‌المللی حمایت کرده است.

در این میان تحریم‌های غرب، روسیه را نیز بزبان داشت تا دلارزدایی را در پیش بگیرد. تا اعلام کرد که نفتکش‌های چینی اجازه دارند بدون هیچ مانعی از این گذرگاه ترانزیت نفت عبور کنند. علاوه بر این، یک مقام دولتی ایران به سی‌ان‌ان گفت که نفتکش‌ها در صورتی می توانند از تنگه هرمز عبور کنند که نفت را به پول چین بفروشند.

این تصمیم یک تحول ژئوپلیتیکی بسیار مهم و چالشی مستقیم برای سلطه جهانی دلار آمریکا است. به باور کارشناسان، دلار قدرتمندترین سلاح امپراتوری ایالات متحده است. تبدیل دلار به ارز ذخیره جهانی و قدرت چاپ آن توسط ایالات متحده، امتیاز ویژه‌ای به این کشور می دهد، به طوری که می تواند کسری‌های تجاری با بقیه جهان را جبران و با کاهش ارزش پول و فشارهای تورمی که سایر کشورها از آن رنج می برند، مواجه نشود. خزانه‌داری مستقیم برای ایالات متحده کمک می کند تا هزینه‌های استقرار را نسبتاً پایین نگه دارد، زیرا دلارهای پرداختی برای واردات، اغلب توسط سرمایه‌گذاران خارجی به اوراق بهادار خزانه‌داری ایالات متحده و اوراق قرضه شرکتی تبدیل می شود و در نتیجه بازده و نرخ بهره را برای بخش‌های دولتی و خصوصی کاهش می دهد. در این میان، یکی از ارکان سلطه دلار، سیستم پترو دلار است. از زمانی که ایالات متحده در سال ۱۹۷۴ با عربستان سعودی توافق تاریخی امضا کرد، بخش عمده‌ای از نفت خام جهان به دلار فروخته شده است. سپس تقریباً همه واردکنندگان نفت از این رویه پیروی کردند. این امر باعث

### بسترسازی پترو یوان

در مجموع، ایده گسترش پترو یوان هرچند در ظاهر ساده است اما پیامدهای گسترده‌ای دارد، زیرا این امر صرفاً یک تغییر فنی در سازوکارهای پرداخت نخواهد بود، بلکه گامی نمادین و راهبردی به سوی یک سیستم مالی چند جانبه‌تر است. در حال حاضر، برخی از شاخص‌ها در حال ظهور هستند، به طوری که معاملات نفتی با استفاده از یوان انجام می شوند و بورس انرژی شانگهای به بستری برای معاملات قراردادهای نفتی با واحد پول چین تبدیل می شود.

باید توجه داشت چین که در دوده گذشته به بزرگترین واردکننده انرژی جهان تبدیل شده است، در این زمینه نفوذ قابل توجهی دارد. کشورهای صادرکننده نفت در غرب آسیا و اوراسیا، به شدت برای فروش تولیدات خود به بازار چین وابسته هستند. این امر قدرت چانه‌زنی پکن را تقویت و به آن اجازه می دهد تا قیمت گذاری را به پول ملی خود، به ویژه در معاملات دوجانبه بلندمدت، پیشنهاد دهد که آغاز معاملات نفتی با کشورهای خلیج فارس در این راستاست.

البته تقویت ارزش یوان در بازار انرژی را نمی توان جدا از تغییرات ژئوپلیتیکی درک کرد. روسیه که پس از جنگ اوکراین با تحریم‌های مالی گسترده مواجه بود، ناگزیر بخش قابل توجهی از صادرات نفت خود را به سمت آسیا، به ویژه چین فرآیند، مسکو شروع به پذیرش پرداخت‌ها به ارزهایی غیر از دلار مانند یوان، روپل یا حتی ترتیبات پیچیده سوآپ کرد. در این میان، برای ایران که سال‌هاست به دلیل تحریم‌ها و محرومیت از شبکه انتقال مالی بین‌المللی، خارج از سیستم مالی غرب بوده است، استفاده از یوان یا ارزهای محلی صرفاً یک انتخاب سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت اقتصادی با پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده است.

**این تصمیم یک تحول ژئوپلیتیکی بسیار مهم و چالشی مستقیم برای سلطه جهانی دلار آمریکا است. به باور کارشناسان، دلار قدرتمندترین سلاح امپراتوری ایالات متحده است. تبدیل دلار به ارز ذخیره جهانی و قدرت چاپ آن توسط ایالات متحده، امتیاز ویژه‌ای به این کشور می دهد، به طوری که می تواند کسری‌های تجاری با بقیه جهان را جبران و با کاهش ارزش پول و فشارهای تورمی که سایر کشورها از آن رنج می برند، مواجه نشود**

## پیام امارات به آمریکا؛ «شاید مجبور شویم نفت خود را به یوان بفروشیم»

مطرح می شود در صورت عملی شدن می تواند به جایگاه دلار در اقتصاد نفتی جهان ضربه بزند. با این حال، کارشناسان معتقدند فدرال رزرو با این درخواست موافقت نخواهد کرد چرا که فدرال رزرو معمولاً منابع خود را برای کاهش فشارهای شدید در بازارهای مالی که ممکن است به اقتصاد آمریکا سرایت کند مصرف می کند.

امارات همچنین به آمریکایی‌ها تاکید کرده است که تصمیم رئیس جمهور ترامپ برای حمله به ایران همان چیزی است که این کشور را وارد یک درگیری ویرانگر کرده که پیامدهای آن ممکن است ادامه یابد.



به گفته مقامات آمریکایی، امارات متحده عربی از ایالات متحده درخواست یک شبکه ایمنی مالی در زمان جنگ کرده است و با وزیر خزانه‌داری آمریکا، در مورد امکان دسترسی به دلار در صورت ادامه درگیری در خاورمیانه گفت‌وگو کرده است.

وال استریت ژورنال در ادامه افزود، امارات متحده عربی به واشنگتن اطلاع داده است که اگر دلار کافی برای این کشور تأمین نشود، مجبور خواهد شد نفت خود را به یوان یا ارزهای دیگر بفروشد و معاملات خود را با ارزهای دیگر غیر از دلار انجام دهد.

این تهدید ضمنی که از سوی یک متحد آمریکا

امارات برای مقابله با تبعات مالی جنگ علیه ایران از آمریکا درخواست کمک دلاری کرد.

وال استریت ژورنال به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد، امارات متحده عربی با واشنگتن در مورد دریافت حمایت مالی در صورت تشدید بحران اقتصادی ناشی از جنگ علیه ایران مذاکره کرده است.

این گزارش افزود، اماراتی‌ها تأیید کردند که با اثرات خلیج بد اقتصادی ناشی از درگیری اخیر مقابله کرده‌اند، اما ممکن است هنوز به حمایت مالی فوری از طرف آمریکا نیاز داشته باشند.



اختیار بگیرند و خود را به هاب‌های لجستیکی و تجاری منطقه‌ای و جهانی تبدیل کنند.

در حالی که ایران با وجود مزیت‌های جغرافیایی برتر نتوانست از این مناطق در جهت خنثی‌سازی تحریم‌ها استفاده و بستر حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را فراهم کند. عدم اصلاح ساختارهای تجارت خارجی از جمله مناطق آزاد سبب شد بخش قابل توجهی از بازرگانان، تولیدکنندگان و فعالین اقتصادی راه تجارت غیررسمی را برگزینند و همواره به دنبال دور زدن فرآیندهای رسمی تجارت خارجی باشند که نتیجه آن کاهش درآمدهای ارزی کشور، تضعیف تولید، افزایش قاچاق، فرار سرمایه‌های داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی بود.

**گام اول: اصلاح ساختار مناطق آزاد**

عدم اصلاح ساختار مدیریتی مناطق آزاد در سه دهه گذشته سبب شد از مهم‌ترین بسترهای تجارت خارجی کشور که می‌توانستند دروازه‌های تجارت خارجی کشور و محورهای حضور تجار ایرانی در بازارهای منطقه‌ای و جهانی باشند تا درنتیجه این حضور، وابستگی کشورهای منطقه به جریان تجارت کالاهای اساسی و غیراساسی از ایران بیش از گذشته و نفوذ منطقه‌ای ایران علاوه بر عرصه‌های نظامی و مستشاری به عنوان بازیگر مؤثر در فضای تجارت خارجی پشتیبان مقاوم‌سازی و ارتقاء تاب‌آوری اقتصاد داخلی باشد، نادیده گرفته شود و روزبه‌روز دستگاه‌های مختلف برخلاف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی رهبر شهید که بر توسعه حوزه عمل مناطق آزاد تاکید داشت، حوزه عمل این مناطق را محدود و محدودتر کردند تا جایی که عملاً مفهوم مناطق آزاد از ماهیت خود خارج و صرفاً پوسته‌ای از این مناطق باقی ماند.

**دستاوردهای میدان باید به عرصه اقتصاد وارد شود**

جمهوری اسلامی دارای ۱۸ منطقه آزاد تجاری-صنعتی در مرزهای دریایی و زمینی خود با کشورهای همسایه است. اولین الزام بهره‌گیری از مناطق آزاد در راستای حفظ دستاوردهای میدان نظامی در دفاع مقدس، اصلاح ساختار حکمرانی و مدیریتی این مناطق و توسعه حوزه عمل آن‌ها مطابق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تاکید بر این راهبرد با نام‌گذاری سال از طرف مقام معظم رهبری است.

به رسمیت شناختن سازمان‌های مناطق آزاد توسط دستگاه‌های اجرایی به عنوان بالاترین مقام اجرایی در حوزه‌های اقتصادی و زیربنایی و عدم دخالت در فرآیندهای مدیریتی در حوزه‌های مذکور، اولین اقدام مؤثری است که آیین‌نامه اجرایی متناسب با آن باید به سرعت توسط دولت تهیه و تصویب شود تا مناطق آزاد بتوانند با بهره‌گیری از اختیارات خود زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاران خارجی، بازگشت سرمایه‌گذاران داخلی و جایگزین کردن این مناطق به جای مناطق آزاد امارت به عنوان هاب‌های لجستیک، تولید، سرمایه‌گذاری و صادرات را فراهم کنند.



# مناطق آزاد مسیر توسعه تجارت ایران در پسا جنگ

## گزارش

### فردین کریمی

در میدان نظامی با پاسخ‌های متناسب و مؤثر در برابر تجاوز قدرتمندترین ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی – امنیتی جهان، سبب شد نظم آمریکایی فروپاشد. نظمی که در آن ایالات متحده آمریکا قدرت بلامنازع اقتصادی جهان باقی می‌ماند و توان مدیریت دیگر قدرت‌ها از جمله چین و روسیه با ابزارهای تعرفه و تحریم را در دست داشت. نظمی که در آن کشورهای غرب آسیا جزیره ثابت ایالات متحده و تأمین‌کنندگان بخش قابل توجهی از انرژی جهان، تحت مدیریت آمریکا و خریداران بزرگ تسلیحات آمریکایی بود و اسرائیل هم‌پیمان این کشورها و حافظ منافع ایالات متحده در این منطقه بود. پیروزی استراتژیک جمهوری اسلامی سبب شد مسیر طی شدن نظم نوین آمریکایی برای همیشه مختل و جهان وارد نظم نوین دیگری با ظهور بازیگر قدرتمندی به نام جمهوری اسلامی ایران شود.

**مناطق آزاد: ظرفیتی که سه دهه مغفول ماندند**

مناطق آزاد تجاری-صنعتی ظرفیت‌های بی‌ظنبری هستند که در سه دهه گذشته مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشور قرار نگرفتند در حالی‌که کشورهای حاشیه خلیج فارس با هوشمندی تمام توانستند از این ظرفیت به خوبی بهره ببرند و عملاً با تدوین نظام مدیریتی پایدار در این مناطق نبض توسعه تجارت منطقه‌ای را در

در میدان نظامی، موقعیت تازه‌ای در معادلات منطقه‌ای و جهانی برای کشور ایجاد کرد؛ اما حفظ این موقعیت، بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی و تجاری ممکن نیست. یکی از مهم‌ترین بسترهای مغفول در این زمینه، مناطق آزاد تجاری-صنعتی است که می‌توانستند در سه دهه گذشته به محور تجارت منطقه‌ای، جذب سرمایه و خنثی‌سازی تحریم‌ها تبدیل شوند، اما به دلیل ضعف حکمرانی و محدود شدن اختیاراتشان، از کارکرد اصلی خود دور ماندند. برای تثبیت دستاوردهای میدان در عرصه اقتصاد، احیای نقش مناطق آزاد و اصلاح ساختار مدیریتی و اجرایی آن‌ها باید به یک اولویت فوری تبدیل شود.

شروع جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران و مقاومت همه‌جانبه در برابر این تجاوز نشان داد تاب‌آوری جمهوری اسلامی بیش از پیش بینی دستگاه محاسباتی دشمن بود. مقاومت ایران علاوه بردستاوردهای پراواخ

## اخبار



## سایه بنزین گران بر سرنوشت جمهوری خواهان در انتخابات نوامبر

با حمله آمریکا به ایران قیمت سوخت افزایش پیدا کرده و در آستانه انتخابات زنگ خطر را به صدا درآورده است. فایننشال تایمز در تحلیلی هشدار داده است که ادامه روند صعودی قیمت حامل‌های انرژی به تهدیدی جدی برای دونالد ترامپ و حزب جمهوری خواه در انتخابات میان دوره‌ای کنگره تبدیل شده است.

براساس آخرین داده‌ها، قیمت بنزین در آمریکا از مرز ۴ دلار عبور کرده و میانگین ملی به ۴٫۱۲ تا ۴٫۱۶ دلار در هر گالن رسیده است.

این رقم نسبت به ماه قبل حدود یک دلار افزایش نشان می‌دهد. قیمت دیزل نیز با نزدیک شدن به ۵٫۶۸ دلار، رکورد سال ۲۰۲۲ را تهدید می‌کند و ظرف یک سال بیش از ۶۰ درصد گران شده است.

شرکت‌های پستی و حمل‌ونقل از جمله آمازون (۳٫۵ درصد) و سرویس پست آمریکا (۸ درصد) هزینه سوخت را به فاکتورهای خود اضافه کرده‌اند علاوه بر این تنش‌های ژئوپلیتیک در تنگه هرمز، زنجیره تأمین کود را مختل کرده و قیمت کود اوره بیش از ۲۶۰ دلار در هر تن افزایش یافته است که مستقیماً هزینه تولید کندم، ذرت و سویا را بالا می‌برد.

همچنین خطوط هوایی مانند دلتا، یونایتد و جت بلو بلیت‌ها را افزایش داده‌اند؛ به طوری که نرخ برخی پروازهای آسیا به اروپا تا ۱۷۶ درصد نسبت به هفته قبل جهش داشته است.

تحلیلگران جی‌پی مورگان پیش بینی می‌کنند که با تأخیر چندماهه، قیمت مواد غذایی (به ویژه محصولات فاسدشدنی و پروتئینی) بین ۴ تا ۵ درصد افزایش یابد.

اقتصاددانان تأکید می‌کنند که قیمت سوخت «مثل موشک بالا می‌رود اما مثل برپایین می‌آید»؛ بنابراین حتی با کاهش قیمت نفت خام در آینده، فشار بر مصرف‌کنندگان برای ماه‌ها باقی خواهد ماند.

حال ترامپ در آستانه انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا که در نوامبر ۲۰۲۶ برگزار می‌شود با مشکل بزرگ قیمت سوخت دست وپنجه نرم می‌کند، مشکلی که می‌تواند محبوبیت حزب جمهوری خواه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.



## کاهش ۴۵ میلیون بشکه‌ای ذخایر جهانی نفت

با افزایش تنش‌ها در خاورمیانه ذخایر جهانی نفت با کاهش ۴۵ میلیون بشکه‌ای رویه رو شده است.

به گزارش فوربس، ذخایر جهانی نفت در ماه جاری میلادی با کاهش ۴۵ میلیون بشکه‌ای همراه بوده است. همچنین از اواخر ماه مارس تاکنون، روزانه حدود ۱۲ میلیون بشکه از تولید نفت جهان دچار اختلال شده است.

**تشدید درگیری‌ها و اختلال در تردد نفتکش‌ها**

علت اصلی این بحران، توقف عملی تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز به دلیل تشدید درگیری‌های نظامی در منطقه است. براین اساس، عبور نفت از این تنگه استراتژیک از بیش از ۲۰ میلیون بشکه در روز در ماه فوریه، به کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز در اوایل آوریل سقوط کرده است.

مجموع کاهش صادرات نفت کشورهای منطقه نیز از مرز ۱۳ میلیون بشکه در روز عبور کرده که معادل اختلال در تولید بیش از ۱۲ درصد از مصرف روزانه جهان است.

**بزرگ‌ترین کاهش ماهانه تاریخ**

آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) نیز در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که کاهش عرضه نفت در ماه مارس (اسفند ۱۴۰۴) معادل ۱۰٫۱ میلیون بشکه در روز بوده که بزرگ‌ترین کاهش ماهانه ثبت شده در تاریخ این بازار محسوب می‌شود؛ این نهاد بین‌المللی هشدار داده که ادامه اختلال در عرضه از طریق تنگه هرمز، جهان را با ماه‌ها بحران انرژی روبرو خواهد کرد.

**چشم‌انداز تقاضا؛ از رشد به کاهش**

آژانس بین‌المللی انرژی در حالی پیش‌بینی قبلی خود مبنی بر رشد تقاضای نفت در سال ۲۰۲۶ را اصلاح کرده که اکنون انتظار می‌رود تقاضای جهانی نفت نسبت به سال قبل ۸۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد.

در صورت تداوم وضعیت موجود، تقاضای نفت در سه‌ماهه دوم سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل تا ۱٫۵ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت که شدیدترین افت از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ تاکنون محسوب می‌شود.

## افت فروش برندهای لوکس در دبی؛ ضربه جنگ به ویتترین اقتصاد امارات

### افت فروش برندهای لوکس در دبی؛

# ضربه جنگ به ویتترین اقتصاد امارات

جنگ علیه ایران علاوه برهرم زدن بازار انرژی و حمل‌ونقل منطقه، به یکی از پرسودترین بخش‌های اقتصاد امارات نیز آسیب‌زده است. برپایه گزارش رویترز، فروش برندهای بزرگ لوکس اروپایی در مراکز خرید اصلی دبی و ابوظبلی در ماه مارس افت محسوسی ثبت کرده و هم‌زمان از رفت‌وآمد مشتریان نیز به شکل قابل توجهی کاسته شده است. این افت در شرایطی رخ داده که غرب آسیا در سال‌های اخیر یکی از معدود بازارهای روبه رشد صنعت لوکس جهان بوده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد مدل اقتصادی دبی که برگردشگر، مصرف لوکس و تصویر ثبات استوار است، در برابر ناامنی منطقه‌ای بسیار آسیب‌پذیرتر از آن چیزی است که در ظاهر دیده می‌شود.

فروش برندهای بزرگ لوکس اروپایی در امارات، هم‌زمان با شدت گرفتن جنگ علیه ایران، با افت محسوس روبه‌رو شده است. رویترز گزارش داده فروش این

برندها در ماه مارس در «مال آل امارات» دبی، یکی از مهم‌ترین مراکز خرید این شهر، نسبت به مدت مشابه سال گذشته بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. بر پایه همین گزارش، رفت‌وآمد در این مرکز خرید که میزبان فروشگاه‌های برندهایی مانند لویی ویتون، دیور، گوچی، کارتیه، شنل و رولکس است، در ماه مارس ۱۵ درصد کاهش داشته است. در «دبی مال» که بیش از دیگر مراکز خرید این شهر به گردشگران متکی است، افت رفت‌وآمد حدود ۵۰ درصد برآورد شده؛ مسئله‌ای که می‌تواند به معنای کاهش حتی بیشتر فروش در آن باشد. در ابوظبلی نیز هرچند وضعیت اندکی بهتر بوده، اما فروش در مرکز خرید «گالریا» به طور کلی حدود ۱۰ درصد افت کرده است.

این داده‌ها از آن جهت مهم‌اند که درست در آستانه انتشار گزارش‌های فصلی شرکت‌هایی مانند LVMH، کرینگ و ارمس منتشر شده‌اند. صنعت لوکس جهان در سه سال گذشته زیر فشار کاهش رشد و افت تقاضا قرار داشته و پس از پایان جهش مصرفی دوران پسا کرونا، دیگر رونق پیشین را تجربه نکرده است. از زمان پایان رونق صنعت لوکس در سال ۲۰۲۲، هم‌زمان با ضعف بازگشت اقتصاد چین و افت شتاب رشد بازار جهانی، ارزش بازار LVMH و کرینگ بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو، یعنی بیش از یک چهارم، کاهش یافته است. همچنین برپایه برآورد Bain & Company، فروش سالانه کل صنعت لوکس در سال گذشته ۲ درصد افت کرده است. در چنین فضایی، غرب آسیا که حدود ۵ درصد از مصرف جهانی کالاهای لوکس را در اختیار دارد، یکی از معدود

نقاط روشن این صنعت به شمار می‌رفت و در سال‌های اخیر رشد دورقمی درآمد را تجربه کرده بود.

غرب آسیا؛ بازار مهمی که جنگ آن را لرزاند به گفته کارول ماد جو، رئیس پژوهش بخش کالاهای لوکس در بانک بارکلز، این منطقه برای صنعت لوکس «یک منطقه راهبردی» بود و تا پیش از جنگ، شرایط آن خوب پیش می‌رفت؛ اما جنگی که با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ۲۸ فوریه آغاز شد، تصویری را که دبی با دقت از امنیت، رفاه و جذابیت ساخته بود، به شدت زیر فشار برد. در گزارش رویترز آمده که فرودگاه بزرگ دبی و برخی زیرساخت‌های این شهر چند بار هدف حملات پهپادی ایران قرار گرفته‌اند و حتی هتل معروف برج العرب نیز از برخورد بقایای رهگیری آسیب دیده است. همین تحولات



کافی بوده تا فضای روانی لازم برای خرید، سفر و حضور آزادانه گردشگران و مصرف‌کنندگان بردرآمد آسیب ببیند.

کارشناسان می‌گویند بازگشت اوضاع به حالت عادی نیز سریع نخواهد بود. برپایه ارزیابی تحلیلگران برنستین، تبعات جنگ از جمله رشد هزینه نفت و سفر، فشار تورمی و حتی احتمال افت بازارهای سهام، می‌تواند فراتر از خلیج فارس نیز برمیل مصرف‌کنندگان به خرید کالاهای لوکس اثر بگذارد، به ویژه در آمریکا. همچنین کریستوفر راسباخ، مدیر سرمایه‌گذاری در J. Stern & Co، گفته اگر امید به احیای بازار لوکس در سال ۲۰۲۶ از بین برود و این بازگشت دست کم تا نیمه دوم سال یا حتی سال بعد عقب بیفتد، نباید کسی از آن شگفت زده شود. هرچند سهم غرب آسیا در کل بازار جهانی لوکس چندان

اخبار



ریسک‌های ژئوپلیتیک و آینده اقتصاد ایران؛ ضرورت بازاریابی ساختاری

تعمیل در طراحی و اجرای معماری ضدشکننده، نه یک اولویت، بلکه شرط لازم برای استحکام پایه‌های اقتصاد ملی است. اقتصاد کلان ایران بعد از مرحله اول جنگ در مقطع کنونی با شبکه‌ای از ریسک‌های پیچیده و تنش‌های ژئوپلیتیک مواجه است که فضایی از نااطمینانی ساختاری را بر متغیرهای اقتصادی حاکم کرده است. در چنین مختصاتی، سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر چارچوب‌های متعارف و خطی کارایی خود را به تدریج از دست داده‌اند و ضرورت گذار بعد از جنگ از الگوهای رایج به معماری ضدشکنندگی بیش از پیش نمایان می‌شود.

تاب‌آوری اقتصادی در این چارچوب الزامی قطعی برای حفظ ثبات کلان و تضمین بقای ساختارهای حیاتی کشور در برابر تکانه‌های برون‌زا به شمار می‌رود. بر این اساس، دوره‌های آرامش نسبی بازارها نباید به مثابه نقطه پایان تهدید تلقیر شوند، بلکه باید به عنوان فرصتی استراتژیک برای بازاریابی ساختاری و ترمیم نقاط ضعف بنیادین مورد بهره‌برداری قرار گیرند. کاغذ این باطنی، تمرکز همه‌جانبه بر دورکن اساسی است: زنجیره تأمین کالاهای راهبردی و ساختار تراز و حکمرانی ارزی؛ دو شریانی که حیات اقتصادی کشور به آن‌ها وابسته است. اختلال در زنجیره تأمین و هدف قرار دادن ظرفیت‌های تولیدی، یکی از ابزارهای محوری در تقابل‌های اقتصادی مدرن است. این ابزار با قطع جریان نهاده‌های حیاتی، بحران را از بخش واقعی اقتصاد به لایه‌های اجتماعی منتقل می‌کند و از این مسیر، فشار سیاسی و اجتماعی را به حداکثر می‌رساند. مصون‌سازی زنجیره‌های تولید در برابر این نوع تهدید، مستلزم طراحی شبکه‌ای انعطاف‌پذیر، چندلایه و توزیع‌شده است که بتواند در شرایط قطع ناگهانی نهاده‌ها، تداوم فعالیت‌های ضروری را تضمین کند.

نخستین گام در این مسیر، انجام ممیزی تحلیلی دقیق از زنجیره ارزش در صنایع راهبردی است تا حلقه‌های گلوگاهی شناسایی شوند؛ نقاطی که وابستگی به منابع خارجی در آن‌ها بیشینه و امکان جایگزینی داخلی در کوتاه‌مدت حداقل است. کاهش این وابستگی‌ها نیازمند تخصصی‌دهند منابع برای ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی است؛ حتی اگر این مسیر در کوتاه‌مدت با افزایش هزینه‌های تولید همراه باشد، استقلال و پایداری خطوط استراتژیک در بلندمدت، منافعی به مراتب فراتر از این هزینه‌ها به همراه خواهد داشت.

تمرکز جغرافیایی صنایع مادر، انبارهای استراتژیک و زیرساخت‌های حیاتی در نقاطی معهود، ضریب آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر شوک‌های متمرکز به شدت افزایش می‌دهد. استقرار الگوی آمایش سرزمینی مبتنی بر اصل توزیع ریسک، این آسیب‌پذیری را به شکل معناداری کاهش می‌دهد؛ برپاکندگی متوازن مراکز تولیدی و ذخیره‌سازی در پهنه جغرافیایی امن کشور، از تبدیل یک تهدید موضعی به یک بحران سیستمیک جلوگیری می‌کند.

مکمل این ساختار کالبدی، ایجاد حاشیه‌های امنیتی عملیاتی است که از سه مؤلفه تشکیل می‌شود: تنوع بخشی به مبادی واردات از طریق توسعه روابط تجاری با شرکای متعدد در مناطق مختلف جهان؛ طراحی شبکه‌های تأمین موازی که در صورت مسدود شدن کانال‌های اصلی، تداوم تأمین را ممکن سازند؛ و انباشت محاسبه‌شده ذخایر استراتژیک بر اساس تحلیل دوره بازیابی زنجیره تأمین در سناریوهای مختلف تنش. ترکیب این مؤلفه‌ها، ظرفیت جذب شوک را در ماشین تولید کشور ارتقا داده و زمان پاسخ به بحران‌های زنجیره تأمین را به حداقل می‌رساند.

همچنین نظام ارزی به دلیل نقش واسطه‌ای در تأمین نیازهای وارداتی و حفظ ارزش پول ملی، حساس‌ترین گره‌گاه در مواجهه با محدودیت‌های اقتصادی خارجی است. وابستگی ساختاری به ارزهای مسلط جهانی و کانال‌های پرداخت متعارف، اقتصاد را در موقعیتی انفعالی و شکننده قرار می‌دهد؛ موقعیتی که از دو منبع اصلی تغذیه می‌کند: تمرکز درآمدهای صادراتی در چند کالای خاص و وابستگی به زیرساخت‌های پیام‌رسانی و تسویه مالی بین‌المللی که از خارج کنترل می‌شوند. خروج از این وضعیت نیازمند بازتعریف هندمفند معماری مالی کشور و حرکت برنامه‌ریزی‌شده به سمت ابزارهای پرداخت جایگزین است. انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه برای تسویه معاملات به ارزهای ملی، توسعه زیرساخت‌های پیام‌رسان مستقل بانکی و نهادینه‌سازی مبادلات تهاتری نظام‌مند به‌ویژه در حوزه انرژی در برابر کالاهای اساسی، از جمله راهکارهای عملیاتی برای کاهش اتکا به ساختارهای مالی سنتی و تضمین تداوم جریان تجارت خارجی محسوب می‌شوند.

در سطح اقتصاد داخلی، مدیریت منابع ارزی باید تابع یک رژیم انضباطی سخت‌گیرانه و تخصیص مبتنی بر اولویت‌های استراتژیک باشد. این سیاست ایجاب می‌کند که منابع محدود ارزی صرفاً به شریان‌های تأمین نهاده‌های غیرقابل جایگزین و ماشین‌آلات حیاتی هدایت شود و واردات کالاهای غیرضروری با محدودیت‌های مطلق مواجه گردد. اجرای مؤثر این رژیم تخصیصی، نیازمند سازوکارهای نظارتی شفاف و طبقه‌بندی دقیق کالاها بر اساس اولویت استراتژیک است. تارانت‌های ارزی که در غیاب این شفافیت منابع را از مسیر اصلی منحرف می‌کنند، مهار شوند.

در کنار این انضباط تخصیصی، پایداری معماری ارزی در بلندمدت نیازمند عبور از اقتصاد تک‌محصولی و تنوع بخشی به سبد درآمدهای صادراتی است. تسهیل و توسعه صادرات خدمات فنی‌هندسی، محصولات دانش‌بنیان و صنایع تبدیلی، جریان‌های درآمدی متعددی را خلق می‌کند که امکان رشد و انبساط هم‌زمان آن‌ها عملاً ناممکن خواهد بود و قدرت چانه‌زنی کشور را در فضای تعاملات اقتصادی بین‌المللی به شکل قابل توجهی ارتقا می‌بخشد. دو محور راهبردی مورد بحث، نه دو سیاست مستقل و موازی، بلکه دو ضلع از یک چارچوب یکپارچه‌اند. مصون‌سازی زنجیره تولید، نیاز ارزی کشور را کاهش می‌دهد و فشار بر ذخایر ارزی را تعدیل می‌کند؛ در مقابل، ثبات ارزی و تنوع درآمدهای صادراتی، توان سرمایه‌گذاری در ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی را فراهم می‌آورد.



غرب آسیا میان ناامنی واردات و رویای تولید غلات

باین وجود، نگرانی‌های مربوط به امنیت غذایی در سراسر منطقه همچنان با برجاست، زیرا هیچ شفافیتی در مورد تداوم درگیری وجود ندارد. برای مثال، کویت اقدامات نسبتاً سختگیرانه‌ای را اتخاذ کرده است، به طوری که وزارت بازرگانی تصمیم گرفت صادرات تمام کالاهای غذایی را ممنوع و قیمت آن‌ها را به مدت یک ماه تثبیت کند. این اقدام با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و تضمین ثبات بازار محلی انجام می‌شود.

مسیر ناامور تولید غلات در غرب آسیا در مقابل اختلالات عرضه مواد غذایی، در سال‌های گذشته تعدادی از این کشورها پروژه‌های دولتی را با هدف گسترش تولید غلات داخلی آغاز کردند. عربستان سعودی به عنوان پیشگام این تلاش، در سال ۲۰۲۳ برنامه توسعه پایدار کشاورزی روستایی را با هدف افزایش ۳۰ درصدی تولید مواد غذایی محلی تا سال ۲۰۳۰ و با اولویت دادن به تولید غلات آغاز کرد. طبق اعلام اداره گل آمار عربستان، این کشور در سال ۲۰۲۴ حدود ۱.۶۵ میلیون تن غلات تولید کرد، اما این رقم در سال قبل ۱.۷۵ میلیون تن بود. البته این میزان برای تأمین بخش کوچکی از تقاضای ۱۳ میلیون تنی داخلی کافی است. طبق داده‌های تجاری، عربستان طی چند سال گذشته سالانه تا ۴ میلیون تن گندم، ۵ میلیون تن ذرت و ۴ میلیون تن جو وارد کرده است.

همچنین، قطر کشت غلات محدودی دارد. داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) نشان می‌دهد که تنها حدود ۱ هکتار برای گندم و حدود ۷۶ هکتار برای جو برداشت شد که نشان دهنده تولید غلات داخلی ناچیز است. کویت نیز تولید حداقلی دارد، به طوری که حدود ۵ هکتار گندم و حدود ۶۵۰ هکتار جو برداشت شده است.

رویکردهای جدید با پیشگامی ایران هرگونه افزایش قابل توجه در تولید غلات در غرب آسیا نیازمند تغییر چشمگیر در شیوه‌های کشت غلات و استفاده گسترده از فناوری‌های نوین، به‌ویژه با توجه به تغییرات اقلیمی است. محمدرضا کاویانپور، رئیس موسسه تحقیقات آب ایران، گفت که چنین تغییراتی در ایران برای تضمین امنیت غذایی واقعی ضروری است. وی گفت: «مردم، کشاورزان و صنایع باید خود را برای آینده آماده کنند. ما باید شیوه‌های خود را بر اساس فناوری‌های جدید بنا کنیم.» غرب آسیا سریع‌تر از میانگین جهانی در حال گرم شدن است، به طوری که میانگین دمای سالانه به سرعت

تعمیل در طراحی و اجرای معماری ضدشکننده، نه یک اولویت، بلکه شرط لازم برای استحکام پایه‌های اقتصاد ملی است. اقتصاد کلان ایران بعد از مرحله اول جنگ در مقطع کنونی با شبکه‌ای از ریسک‌های پیچیده و تنش‌های ژئوپلیتیک مواجه است که فضایی از نااطمینانی ساختاری را بر متغیرهای اقتصادی حاکم کرده است. در چنین مختصاتی، سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر چارچوب‌های متعارف و خطی کارایی خود را به تدریج از دست داده‌اند و ضرورت گذار بعد از جنگ از الگوهای رایج به معماری ضدشکنندگی بیش از پیش نمایان می‌شود.

تاب‌آوری اقتصادی در این چارچوب الزامی قطعی برای حفظ ثبات کلان و تضمین بقای ساختارهای حیاتی کشور در برابر تکانه‌های برون‌زا به شمار می‌رود. بر این اساس، دوره‌های آرامش نسبی بازارها نباید به مثابه نقطه پایان تهدید تلقیر شوند، بلکه باید به عنوان فرصتی استراتژیک برای بازاریابی ساختاری و ترمیم نقاط ضعف بنیادین مورد بهره‌برداری قرار گیرند. کاغذ این باطنی، تمرکز همه‌جانبه بر دورکن اساسی است: زنجیره تأمین کالاهای راهبردی و ساختار تراز و حکمرانی ارزی؛ دو شریانی که حیات اقتصادی کشور به آن‌ها وابسته است. اختلال در زنجیره تأمین و هدف قرار دادن ظرفیت‌های تولیدی، یکی از ابزارهای محوری در تقابل‌های اقتصادی مدرن است. این ابزار با قطع جریان نهاده‌های حیاتی، بحران را از بخش واقعی اقتصاد به لایه‌های اجتماعی منتقل می‌کند و از این مسیر، فشار سیاسی و اجتماعی را به حداکثر می‌رساند. مصون‌سازی زنجیره‌های تولید در برابر این نوع تهدید، مستلزم طراحی شبکه‌ای انعطاف‌پذیر، چندلایه و توزیع‌شده است که بتواند در شرایط قطع ناگهانی نهاده‌ها، تداوم فعالیت‌های ضروری را تضمین کند.

نخستین گام در این مسیر، انجام ممیزی تحلیلی دقیق از زنجیره ارزش در صنایع راهبردی است تا حلقه‌های گلوگاهی شناسایی شوند؛ نقاطی که وابستگی به منابع خارجی در آن‌ها بیشینه و امکان جایگزینی داخلی در کوتاه‌مدت حداقل است. کاهش این وابستگی‌ها نیازمند تخصصی‌دهند منابع برای ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی است؛ حتی اگر این مسیر در کوتاه‌مدت با افزایش هزینه‌های تولید همراه باشد، استقلال و پایداری خطوط استراتژیک در بلندمدت، منافعی به مراتب فراتر از این هزینه‌ها به همراه خواهد داشت.

تمرکز جغرافیایی صنایع مادر، انبارهای استراتژیک و زیرساخت‌های حیاتی در نقاطی معهود، ضریب آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر شوک‌های متمرکز به شدت افزایش می‌دهد. استقرار الگوی آمایش سرزمینی مبتنی بر اصل توزیع ریسک، این آسیب‌پذیری را به شکل معناداری کاهش می‌دهد؛ برپاکندگی متوازن مراکز تولیدی و ذخیره‌سازی در پهنه جغرافیایی امن کشور، از تبدیل یک تهدید موضعی به یک بحران سیستمیک جلوگیری می‌کند.

مکمل این ساختار کالبدی، ایجاد حاشیه‌های امنیتی عملیاتی است که از سه مؤلفه تشکیل می‌شود: تنوع بخشی به مبادی واردات از طریق توسعه روابط تجاری با شرکای متعدد در مناطق مختلف جهان؛ طراحی شبکه‌های تأمین موازی که در صورت مسدود شدن کانال‌های اصلی، تداوم تأمین را ممکن سازند؛ و انباشت محاسبه‌شده ذخایر استراتژیک بر اساس تحلیل دوره بازیابی زنجیره تأمین در سناریوهای مختلف تنش. ترکیب این مؤلفه‌ها، ظرفیت جذب شوک را در ماشین تولید کشور ارتقا داده و زمان پاسخ به بحران‌های زنجیره تأمین را به حداقل می‌رساند.

همچنین نظام ارزی به دلیل نقش واسطه‌ای در تأمین نیازهای وارداتی و حفظ ارزش پول ملی، حساس‌ترین گره‌گاه در مواجهه با محدودیت‌های اقتصادی خارجی است. وابستگی ساختاری به ارزهای مسلط جهانی و کانال‌های پرداخت متعارف، اقتصاد را در موقعیتی انفعالی و شکننده قرار می‌دهد؛ موقعیتی که از دو منبع اصلی تغذیه می‌کند: تمرکز درآمدهای صادراتی در چند کالای خاص و وابستگی به زیرساخت‌های پیام‌رسانی و تسویه مالی بین‌المللی که از خارج کنترل می‌شوند. خروج از این وضعیت نیازمند بازتعریف هندمفند معماری مالی کشور و حرکت برنامه‌ریزی‌شده به سمت ابزارهای پرداخت جایگزین است. انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه برای تسویه معاملات به ارزهای ملی، توسعه زیرساخت‌های پیام‌رسان مستقل بانکی و نهادینه‌سازی مبادلات تهاتری نظام‌مند به‌ویژه در حوزه انرژی در برابر کالاهای اساسی، از جمله راهکارهای عملیاتی برای کاهش اتکا به ساختارهای مالی سنتی و تضمین تداوم جریان تجارت خارجی محسوب می‌شوند.

در سطح اقتصاد داخلی، مدیریت منابع ارزی باید تابع یک رژیم انضباطی سخت‌گیرانه و تخصیص مبتنی بر اولویت‌های استراتژیک باشد. این سیاست ایجاب می‌کند که منابع محدود ارزی صرفاً به شریان‌های تأمین نهاده‌های غیرقابل جایگزین و ماشین‌آلات حیاتی هدایت شود و واردات کالاهای غیرضروری با محدودیت‌های مطلق مواجه گردد. اجرای مؤثر این رژیم تخصیصی، نیازمند سازوکارهای نظارتی شفاف و طبقه‌بندی دقیق کالاها بر اساس اولویت استراتژیک است. تارانت‌های ارزی که در غیاب این شفافیت منابع را از مسیر اصلی منحرف می‌کنند، مهار شوند.

در کنار این انضباط تخصیصی، پایداری معماری ارزی در بلندمدت نیازمند عبور از اقتصاد تک‌محصولی و تنوع بخشی به سبد درآمدهای صادراتی است. تسهیل و توسعه صادرات خدمات فنی‌هندسی، محصولات دانش‌بنیان و صنایع تبدیلی، جریان‌های درآمدی متعددی را خلق می‌کند که امکان رشد و انبساط هم‌زمان آن‌ها عملاً ناممکن خواهد بود و قدرت چانه‌زنی کشور را در فضای تعاملات اقتصادی بین‌المللی به شکل قابل توجهی ارتقا می‌بخشد. دو محور راهبردی مورد بحث، نه دو سیاست مستقل و موازی، بلکه دو ضلع از یک چارچوب یکپارچه‌اند. مصون‌سازی زنجیره تولید، نیاز ارزی کشور را کاهش می‌دهد و فشار بر ذخایر ارزی را تعدیل می‌کند؛ در مقابل، ثبات ارزی و تنوع درآمدهای صادراتی، توان سرمایه‌گذاری در ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی را فراهم می‌آورد.

افزایش ۳۴ درصدی قیمت بنزین

وزیر انرژی آمریکا گفت: قیمت بنزین تا سال ۲۰۲۷ بالا باقی می‌ماند و به زیر ۳ دلار بر نخواهد گشت.

بگزارش سی‌ان‌ان، کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده، در مصاحبه با CNN اذعان کرد: قیمت بنزین ممکن است تا سال آینده میلادی (۲۰۲۷) بالا باقی بماند و به زیر ۳ دلار در هر گالن نرسد. رایت در پاسخ به سوآلی درباره زمان بازگشت قیمت بنزین به محدوده قبل از جنگ با ایران گفت: «این اتفاق ممکن است اواخر امسال بیفتد، یا شاید تا سال آینده رخ ندهد.» او در عین حال ابراز اطمینان کرد که قیمت‌ها احتمالاً به اوج خود رسیده‌اند و با حل درگیری، روند نزولی آغاز خواهد شد.

وزیر انرژی آمریکا: قیمت بنزین تا سال آینده به زیر ۳ دلار بر نمی‌گردد

وزیر انرژی آمریکا گفت: قیمت بنزین تا سال ۲۰۲۷ بالا باقی می‌ماند و به زیر ۳ دلار بر نخواهد گشت.

بگزارش سی‌ان‌ان، کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده، در مصاحبه با CNN اذعان کرد: قیمت بنزین ممکن است تا سال آینده میلادی (۲۰۲۷) بالا باقی بماند و به زیر ۳ دلار در هر گالن نرسد. رایت در پاسخ به سوآلی درباره زمان بازگشت قیمت بنزین به محدوده قبل از جنگ با ایران گفت: «این اتفاق ممکن است اواخر امسال بیفتد، یا شاید تا سال آینده رخ ندهد.» او در عین حال ابراز اطمینان کرد که قیمت‌ها احتمالاً به اوج خود رسیده‌اند و با حل درگیری، روند نزولی آغاز خواهد شد.

باین وجود، نگرانی‌های مربوط به امنیت غذایی در سراسر منطقه همچنان با برجاست، زیرا هیچ شفافیتی در مورد تداوم درگیری وجود ندارد. برای مثال، کویت اقدامات نسبتاً سختگیرانه‌ای را اتخاذ کرده است، به طوری که وزارت بازرگانی تصمیم گرفت صادرات تمام کالاهای غذایی را ممنوع و قیمت آن‌ها را به مدت یک ماه تثبیت کند. این اقدام با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و تضمین ثبات بازار محلی انجام می‌شود.

مسیر ناامور تولید غلات در غرب آسیا در مقابل اختلالات عرضه مواد غذایی، در سال‌های گذشته تعدادی از این کشورها پروژه‌های دولتی را با هدف گسترش تولید غلات داخلی آغاز کردند. عربستان سعودی به عنوان پیشگام این تلاش، در سال ۲۰۲۳ برنامه توسعه پایدار کشاورزی روستایی را با هدف افزایش ۳۰ درصدی تولید مواد غذایی محلی تا سال ۲۰۳۰ و با اولویت دادن به تولید غلات آغاز کرد. طبق اعلام اداره گل آمار عربستان، این کشور در سال ۲۰۲۴ حدود ۱.۶۵ میلیون تن غلات تولید کرد، اما این رقم در سال قبل ۱.۷۵ میلیون تن بود. البته این میزان برای تأمین بخش کوچکی از تقاضای ۱۳ میلیون تنی داخلی کافی است. طبق داده‌های تجاری، عربستان طی چند سال گذشته سالانه تا ۴ میلیون تن گندم، ۵ میلیون تن ذرت و ۴ میلیون تن جو وارد کرده است.

همچنین، قطر کشت غلات محدودی دارد. داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (FAO) نشان می‌دهد که تنها حدود ۱ هکتار برای گندم و حدود ۷۶ هکتار برای جو برداشت شد که نشان دهنده تولید غلات داخلی ناچیز است. کویت نیز تولید حداقلی دارد، به طوری که حدود ۵ هکتار گندم و حدود ۶۵۰ هکتار جو برداشت شده است.

رویکردهای جدید با پیشگامی ایران هرگونه افزایش قابل توجه در تولید غلات در غرب آسیا نیازمند تغییر چشمگیر در شیوه‌های کشت غلات و استفاده گسترده از فناوری‌های نوین، به‌ویژه با توجه به تغییرات اقلیمی است. محمدرضا کاویانپور، رئیس موسسه تحقیقات آب ایران، گفت که چنین تغییراتی در ایران برای تضمین امنیت غذایی واقعی ضروری است. وی گفت: «مردم، کشاورزان و صنایع باید خود را برای آینده آماده کنند. ما باید شیوه‌های خود را بر اساس فناوری‌های جدید بنا کنیم.» غرب آسیا سریع‌تر از میانگین جهانی در حال گرم شدن است، به طوری که میانگین دمای سالانه به سرعت

تعمیل در طراحی و اجرای معماری ضدشکننده، نه یک اولویت، بلکه شرط لازم برای استحکام پایه‌های اقتصاد ملی است. اقتصاد کلان ایران بعد از مرحله اول جنگ در مقطع کنونی با شبکه‌ای از ریسک‌های پیچیده و تنش‌های ژئوپلیتیک مواجه است که فضایی از نااطمینانی ساختاری را بر متغیرهای اقتصادی حاکم کرده است. در چنین مختصاتی، سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر چارچوب‌های متعارف و خطی کارایی خود را به تدریج از دست داده‌اند و ضرورت گذار بعد از جنگ از الگوهای رایج به معماری ضدشکنندگی بیش از پیش نمایان می‌شود.

تاب‌آوری اقتصادی در این چارچوب الزامی قطعی برای حفظ ثبات کلان و تضمین بقای ساختارهای حیاتی کشور در برابر تکانه‌های برون‌زا به شمار می‌رود. بر این اساس، دوره‌های آرامش نسبی بازارها نباید به مثابه نقطه پایان تهدید تلقیر شوند، بلکه باید به عنوان فرصتی استراتژیک برای بازاریابی ساختاری و ترمیم نقاط ضعف بنیادین مورد بهره‌برداری قرار گیرند. کاغذ این باطنی، تمرکز همه‌جانبه بر دورکن اساسی است: زنجیره تأمین کالاهای راهبردی و ساختار تراز و حکمرانی ارزی؛ دو شریانی که حیات اقتصادی کشور به آن‌ها وابسته است. اختلال در زنجیره تأمین و هدف قرار دادن ظرفیت‌های تولیدی، یکی از ابزارهای محوری در تقابل‌های اقتصادی مدرن است. این ابزار با قطع جریان نهاده‌های حیاتی، بحران را از بخش واقعی اقتصاد به لایه‌های اجتماعی منتقل می‌کند و از این مسیر، فشار سیاسی و اجتماعی را به حداکثر می‌رساند. مصون‌سازی زنجیره‌های تولید در برابر این نوع تهدید، مستلزم طراحی شبکه‌ای انعطاف‌پذیر، چندلایه و توزیع‌شده است که بتواند در شرایط قطع ناگهانی نهاده‌ها، تداوم فعالیت‌های ضروری را تضمین کند.

نخستین گام در این مسیر، انجام ممیزی تحلیلی دقیق از زنجیره ارزش در صنایع راهبردی است تا حلقه‌های گلوگاهی شناسایی شوند؛ نقاطی که وابستگی به منابع خارجی در آن‌ها بیشینه و امکان جایگزینی داخلی در کوتاه‌مدت حداقل است. کاهش این وابستگی‌ها نیازمند تخصصی‌دهند منابع برای ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی است؛ حتی اگر این مسیر در کوتاه‌مدت با افزایش هزینه‌های تولید همراه باشد، استقلال و پایداری خطوط استراتژیک در بلندمدت، منافعی به مراتب فراتر از این هزینه‌ها به همراه خواهد داشت.

تمرکز جغرافیایی صنایع مادر، انبارهای استراتژیک و زیرساخت‌های حیاتی در نقاطی معهود، ضریب آسیب‌پذیری اقتصاد را در برابر شوک‌های متمرکز به شدت افزایش می‌دهد. استقرار الگوی آمایش سرزمینی مبتنی بر اصل توزیع ریسک، این آسیب‌پذیری را به شکل معناداری کاهش می‌دهد؛ برپاکندگی متوازن مراکز تولیدی و ذخیره‌سازی در پهنه جغرافیایی امن کشور، از تبدیل یک تهدید موضعی به یک بحران سیستمیک جلوگیری می‌کند.

مکمل این ساختار کالبدی، ایجاد حاشیه‌های امنیتی عملیاتی است که از سه مؤلفه تشکیل می‌شود: تنوع بخشی به مبادی واردات از طریق توسعه روابط تجاری با شرکای متعدد در مناطق مختلف جهان؛ طراحی شبکه‌های تأمین موازی که در صورت مسدود شدن کانال‌های اصلی، تداوم تأمین را ممکن سازند؛ و انباشت محاسبه‌شده ذخایر استراتژیک بر اساس تحلیل دوره بازیابی زنجیره تأمین در سناریوهای مختلف تنش. ترکیب این مؤلفه‌ها، ظرفیت جذب شوک را در ماشین تولید کشور ارتقا داده و زمان پاسخ به بحران‌های زنجیره تأمین را به حداقل می‌رساند.

همچنین نظام ارزی به دلیل نقش واسطه‌ای در تأمین نیازهای وارداتی و حفظ ارزش پول ملی، حساس‌ترین گره‌گاه در مواجهه با محدودیت‌های اقتصادی خارجی است. وابستگی ساختاری به ارزهای مسلط جهانی و کانال‌های پرداخت متعارف، اقتصاد را در موقعیتی انفعالی و شکننده قرار می‌دهد؛ موقعیتی که از دو منبع اصلی تغذیه می‌کند: تمرکز درآمدهای صادراتی در چند کالای خاص و وابستگی به زیرساخت‌های پیام‌رسانی و تسویه مالی بین‌المللی که از خارج کنترل می‌شوند. خروج از این وضعیت نیازمند بازتعریف هندمفند معماری مالی کشور و حرکت برنامه‌ریزی‌شده به سمت ابزارهای پرداخت جایگزین است. انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه برای تسویه معاملات به ارزهای ملی، توسعه زیرساخت‌های پیام‌رسان مستقل بانکی و نهادینه‌سازی مبادلات تهاتری نظام‌مند به‌ویژه در حوزه انرژی در برابر کالاهای اساسی، از جمله راهکارهای عملیاتی برای کاهش اتکا به ساختارهای مالی سنتی و تضمین تداوم جریان تجارت خارجی محسوب می‌شوند.

در سطح اقتصاد داخلی، مدیریت منابع ارزی باید تابع یک رژیم انضباطی سخت‌گیرانه و تخصیص مبتنی بر اولویت‌های استراتژیک باشد. این سیاست ایجاب می‌کند که منابع محدود ارزی صرفاً به شریان‌های تأمین نهاده‌های غیرقابل جایگزین و ماشین‌آلات حیاتی هدایت شود و واردات کالاهای غیرضروری با محدودیت‌های مطلق مواجه گردد. اجرای مؤثر این رژیم تخصیصی، نیازمند سازوکارهای نظارتی شفاف و طبقه‌بندی دقیق کالاها بر اساس اولویت استراتژیک است. تارانت‌های ارزی که در غیاب این شفافیت منابع را از مسیر اصلی منحرف می‌کنند، مهار شوند.

در کنار این انضباط تخصیصی، پایداری معماری ارزی در بلندمدت نیازمند عبور از اقتصاد تک‌محصولی و تنوع بخشی به سبد درآمدهای صادراتی است. تسهیل و توسعه صادرات خدمات فنی‌هندسی، محصولات دانش‌بنیان و صنایع تبدیلی، جریان‌های درآمدی متعددی را خلق می‌کند که امکان رشد و انبساط هم‌زمان آن‌ها عملاً ناممکن خواهد بود و قدرت چانه‌زنی کشور را در فضای تعاملات اقتصادی بین‌المللی به شکل قابل توجهی ارتقا می‌بخشد. دو محور راهبردی مورد بحث، نه دو سیاست مستقل و موازی، بلکه دو ضلع از یک چارچوب یکپارچه‌اند. مصون‌سازی زنجیره تولید، نیاز ارزی کشور را کاهش می‌دهد و فشار بر ذخایر ارزی را تعدیل می‌کند؛ در مقابل، ثبات ارزی و تنوع درآمدهای صادراتی، توان سرمایه‌گذاری در ارتقای ظرفیت‌های صنعتی داخلی را فراهم می‌آورد.

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که

بنزین معمولی در تاریخ ۱۹ آوریل به ۴۰٫۵ دلار در هر گالن رسیده است، در حالی که